یادداشت میهمان

پیامدهای بین‌المللی یک حمله از پیش شکست‌خورده

دکتر علیرضا معشوری *

تحلیل احتمال وقوع جنگ میان ایران و آمریکا-اسرائیل مستلزم بررسی همزمان ساختارهای قدرت در نظام بین‌الملل، دکترین بازدارندگی، اقتصاد انرژی و همچنین گفتمان‌های ایدئولوژیک و هویتی در سطح منطقه‌ای و جهانی است. تقابل میان ایران و آمریکا- اسرائیل را می‌توان به عنوان یکی از کانون‌های تنش در مسیر گذار از نظم تک‌قطبی به نظم چندقطبی تحلیل کرد؛ نظمی که در آن قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای و جهانی در حال بازتعریف حوزه نفوذ و نقش راهبردی خود هستند. سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران همواره در تعارض ساختاری با سیاست‌های هژمونیک ایالات متحده و متحدان آن در منطقه قرار داشته است. در این چارچوب تهدیدهای مکرر نظامی علیه ایران فقط نتیجه یک اختلاف دوجانبه نیست و باید آن را در بستر رقابت گسترده‌تر بر سر کنترل ژئوپلیتیک انرژی، مسیرهای انتقال منابع و همچنین شکل‌دهی به نظم امنیتی منطقه غرب آسیا مورد تحلیل قرار داد.

در بسیاری از تحلیل‌های رایج، تمرکز اصلی بر سناریوی بسته شدن تنگه هرمز قرار دارد، زیرا این آبراه یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال انرژی در جهان محسوب می‌شود و بخش قابل توجهی از صادرات نفت جهان از آن عبور می‌کند. اما باید توجه داشت که محدود کردن پیامدهای جنگ احتمالی صرفا به انسداد تنگه هرمز، نوعی ساده‌سازی واقعیت ژئوپلیتیک پیچیده منطقه است. در صورت گسترش جنگ به منطقه، زیرساخت‌های حیاتی انرژی در کل منطقه خلیج‌فارس از جمله تأسیسات استخراج نفت، پالایشگاه‌ها، خطوط انتقال، پایانه‌های صادراتی و اسکله‌های بارگیری نفتکش‌ها در معرض تهدید و آسیب جدی قرار خواهند گرفت. اهمیت این مسئله در این است که بسته شدن تنگه هرمز هرچند شوک بزرگی به بازار جهانی انرژی وارد می‌کند اما در صورت پایان جنگ یا حصول توافق، امکان بازگشایی سریع مسیر انتقال نفت وجود دارد و جریان صادرات انرژی می‌تواند در مدت نسبتا کوتاهی از سر گرفته شود. اما تخریب پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های استخراج و انتقال نفت ماهیتی کاملا متفاوت دارد، زیرا بازسازی چنین تأسیساتی مستلزم سرمایه‌گذاری‌های عظیم و صرف زمان طولانی است و ممکن است چندین سال به طول انجامد. به بیان دیگر در صورت آسیب رسیدن به این تاسیسات، تا مدت‌ها دیگر نفتی وجود نخواهد داشت که به بازار جهانی صادر شود، حتی اگر مسیر تنگه هرمز باز باشد و جنگ به پایان رسیده باشد. کاهش شدید عرضه نفت به بازارهای جهانی در این مدت طولانی می‌تواند منجر به افزایش بی‌سابقه قیمت انرژی شود، آن هم برای یک دوره چند ساله و نه فقط برای چند روز یا چند هفته، و این مسئله اقتصاد کشورهای صنعتی و حتی فراتر از آن اقتصاد جهان را با بحران‌های عمیق مواجه خواهد کرد.

امنیت انرژی یکی از ستون‌های اصلی ثبات نظام سرمایه‌داری جهانی محسوب می‌شود. وابستگی ساختاری اقتصاد جهانی به منابع انرژی فسیلی موجب شده است که هرگونه اختلال طولانی‌مدت در عرضه نفت، آثار زنجیره‌ای گسترده‌ای بر تولید، صنعت، حمل‌ونقل و حتی ثبات نظام مالی جهانی داشته باشد. افزایش شدید قیمت نفت می‌تواند موجب تورم گسترده و رکود اقتصادی در بسیاری از کشورها شود و این امر ممکن است بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی در مناطق مختلف جهان را نیز تشدید کند. به همین دلیل جنگ احتمالی علیه ایران فراتر از یک بحران منطقه‌ای یک بحران جهانی است، زیرا اقتصاد جهان در شرایطی قرار دارد که حتی وقفه‌های محدود در زنجیره‌های تأمین نیز می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای ایجاد کند. از این جهت در صورت تخریب زیرساخت‌های انرژی منطقه، این وقفه‌ها طولانی‌تر و درنتیجه بحران‌ها به مراتب شدیدتر خواهد بود. چنین وضعیتی نشان‌دهنده شکنندگی نظام سرمایه‌داری جهانی است که بقای آن به کنترل منابع انرژی در مناطق پیرامونی وابسته است و هرگونه چالش طولانی‌مدت در این مناطق می‌تواند ساختار کلی این نظام را تحت فشار قرار دهد. این مسئله سبب می‌شود که بسیاری از بازیگران بین‌المللی حتی در صورت اختلاف سیاسی با ایران، نسبت به وقوع جنگ گسترده در منطقه نگرانی جدی داشته باشند.

گسترش جنگ به منطقه می‌تواند موازنه قدرت را به طور بنیادین تغییر دهد. حضور بازیگران غیردولتی، گروه‌های مقاومت و ائتلاف‌های منطقه‌ای باعث می‌شود که جنگ از حالت کلاسیک میان دولت‌ها خارج شده و به یک درگیری چندلایه تبدیل شود که کنترل آن برای آمریکا و غرب بسیار دشوار خواهد بود. جنگ‌های اخیر در عراق و افغانستان و حتی غزه نشان داده است که برتری نظامی لزوما به معنای پیروزی راهبردی نیست و در بسیاری از موارد، جنگ‌های طولانی و فرسایشی می‌تواند هزینه‌های سیاسی و اقتصادی سنگینی بر مهاجم تحمیل کند. از این رو حمله به ایران موجب تقویت گفتمان مقاومت و افزایش همگرایی میان بازیگران مخالف هژمونی غرب در منطقه خواهد شد. ایران با بهره‌گیری از راهبرد جنگ ترکیبی توانایی استفاده همزمان از ابزارهای نظامی، سایبری و اقتصادی را دارد. همچنین شبکه‌های همسو با ایران در منطقه می‌توانند دامنه درگیری را به نقاط مختلف گسترش داده و هزینه‌های جنگ را برای طرف مقابل افزایش دهند. وقوع یک جنگ گسترده می‌تواند روندهای موجود را دگرگون کند. بی‌ثباتی ناشی از جنگ ممکن است باعث فروپاشی برخی ساختارهای سیاسی شکننده در منطقه شود و زمینه را برای شکل‌گیری بحران‌های جدید انسانی و امنیتی فراهم کند. چنین وضعیتی هم برای کشورهای منطقه و هم برای اروپا و سایر مناطق جهان نیز پیامدهای امنیتی مانند افزایش موج مهاجرت و گسترش افراط‌گرایی خواهد داشت.

علاوه بر این باید به پیامدهای گسترده‌تر ژئوپلیتیکی چنین جنگی توجه کرد. قدرت‌های جهانی که منافع راهبردی و اقتصادی قابل توجهی در منطقه دارند، نمی‌توانند نسبت به بی‌ثباتی گسترده در منطقه بی‌تفاوت باشند و این امر ممکن است رقابت قدرت‌های بزرگ را تشدید کند و خطر تبدیل شدن جنگ منطقه‌ای به یک بحران جهانی را افزایش دهد. از طرفی کشورهای صادرکننده نفت در منطقه نیز با تهدید جدی مواجه خواهند شد، زیرا تخریب زیرساخت‌های انرژی می‌تواند منابع اصلی درآمد آنها را از بین ببرد و ثبات داخلی این کشورها را تحت تأثیر قرار دهد. چنین سناریویی نشان می‌دهد که جنگ احتمالی علیه ایران برای کل منطقه و حتی برای متحدان آمریکا و غرب نیز پیامدهای زیان‌باری خواهد داشت.

تأکید بر اینکه حمله به ایران می‌تواند به تخریب گسترده زیرساخت‌های انرژی منجر شود، در واقع نوعی بازدارندگی چندبعدی محسوب می‌شود که بر هزینه‌های وارد شده به اقتصاد جهانی در اثر وقوع این جنگ تأکید می‌کند. در نظریه‌های بازدارندگی، افزایش هزینه‌های بالقوه جنگ برای طرف مقابل یکی از مهم‌ترین ابزارهای جلوگیری از درگیری است و در اینجا، وابستگی اقتصاد جهانی به نفت منطقه به شکل یک عامل بازدارنده عمل می‌کند. این مسئله به ویژه در شرایطی اهمیت دارد که اقتصاد جهانی با چالش‌هایی مانند بحران‌های مالی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی مواجه است و وقوع یک جنگ گسترده می‌تواند این چالش‌ها را تشدید کند.

در مجموع باید گفت که چنین جنگی پیامدهایی فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران خواهد داشت و می‌تواند ساختار اقتصاد جهانی، موازنه قدرت منطقه‌ای و حتی نظم بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دهد. تأکید بر اینکه تخریب زیرساخت‌های انرژی منطقه می‌تواند عرضه جهانی نفت را برای سال‌ها مختل کند، نشان‌دهنده این واقعیت است که جنگ در خاورمیانه فراتر از یک مسئله امنیتی یک بحران تمدنی و اقتصادی برای کل جهان خواهد بود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که گسترش جنگ به منطقه حتی به نفع قدرت‌های جهانی نیز نمی‌باشد، زیرا پیامدهای آن می‌تواند به گونه‌ای باشد که کنترل و مدیریت آن از توان هر بازیگری خارج شود و اقتصاد جهانی را با شوک‌های بی‌سابقه‌ای مواجه سازد.

* دکتری روابط بین‌الملل

عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه رأی الیوم:

موشک‌های ایران معادلات ترامپ را تغییر داد

سردبیر روزنامه رأی‌الیوم با اشاره به شکست مأموریت نتانیاهو در واشنگتن، معتقد است نفوذ موشک‌های بالستیک ایران به قلب تل‌آویو و هراس از پاسخ کوبنده تهران، ترامپ را به عقب‌نشینی از گزینه نظامی و پذیرش معادله جدید قدرت در منطقه وادار کرده است.

عبدالباری عطوان، سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای رأی‌الیوم و تحلیلگر شناخته‌شده فلسطینی در سرمقاله جدید خود برای این روزنامه الکترونیکی، به سفر اخیر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر به واشنگتن و نشست طولانی او با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با محوریت ایران پرداخته نوشت: نه نمایش جشن... نه کنفرانس مطبوعاتی... نه هیاهوی رسانه‌ای... نه لبخندی برای دوربین‌ها، فقط چهره‌های عبوس. بنیامین نتانیاهو کاخ سفید را به‌مقصد هواپیمایش در فرودگاه واشنگتن ترک کرد و بلافاصله به تل‌آویو بازگشت و هفتمین سفر خود به پایتخت آمریکا را تنها به ۳۰ ساعت کاهش داد.

راز چهره درهم ترامپ و نتانیاهو بعد از دیدار در کاخ سفید

عبدالباری عطوان افزود: این سفر به‌عنوان کوتاه‌ترین سفر یک نخست‌وزیر اسرائیل در تاریخ ثبت خواهد شد، نخست‌وزیری که پیش از این طوری رفتار می‌کرد که گویی حاکم بالفعل آن است، این برداشت اولیه‌ای است که این سفر «تاریخی» نتانیاهو را خلاصه می‌کند، سفری که دو هفته جلوتر افتاد تا از موضع قدرت به ترامپ دستور دهد که در صورت عدم تسلیم ایران در برابر سه شرط، اسرائیل فوراً وارد جنگ علیه این کشور شود؛ شروطی که عبارتند از: توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم، کاهش تعداد سامانه‌های موشکی ایران و محدود کردن برد آنها به تنها ۳۰۰ کیلومتر، به‌طوری که نتوانند به عمق خاک فلسطین اشغالی برسند، و توقف حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در لبنان، غزه، یمن و عراق.

این تحلیلگر فلسطینی تأکید کرد: اما نیروی همیشه حاضر و در عین حال فعال در نشست سران بین ترامپ و مهمان ناخوانده و متکبرش، نتانیاهو، ایران و موشک‌های بالستیک بسیار پیشرفته آن بود که برتری شگفت‌انگیز خود را در نفوذ به تمام پدافندهای هوائی اسرائیل و رسیدن به اهداف خود در قلب تل‌آویو نشان دادند و بدین ترتیب تمام معادلات قدرت در خاورمیانه را تغییر دادند.

در ادامه این مقاله آمده است: این قدرت و پایداری ایران در سطح سیاسی، نظامی و دیپلماتیک و اولویت‌بندی آن برای حمله کوبنده به تل‌آویو بلافاصله بعد از هرگونه تجاوز آمریکا علیه ایران، قدرت بازدارندگی این کشور را تثبیت می‌کند. بر اساس این معادله، تهران نشان داده است که هزینه هرگونه تجاوزی علیه ایران از نظر انسانی، نظامی، اقتصادی و اخلاقی برای متجاوزان بسیار بالا خواهد بود و این بار نه‌فقط پایگاه‌های نظامی، بلکه برج‌های بلند و لوکس تل‌آویو هم در بانک اهداف ایران خواهد بود.

عطوان در ادامه این مقاله به خروج نیروهای آمریکایی از سوریه اشاره و تأکید کرد: اعلام خروج همه نیروهای آمریکایی از پایگاه التنف در جنوب شرقی سوریه و پیش از آن از عین‌الاسد در عراق، از نشانه‌های اصلی ترس و اضطراب آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در مورد عواقب هرگونه تجاوزی علیه ایران است که با پاسخ سریع و قطعی این کشور همراه خواهد شد.

سردبیر روزنامه رأی الیوم ادامه داد: همه می‌دانیم که مطرح شدن گزینه جنگ از سوی آمریکا علیه ایران در شرایط کنونی یک فریب است و ممکن است اساساً جنگی در کار نباشد؛ زیرا در جنگ ژوئن گذشته که ۱۲ روز طول کشید، آمریکا و رژیم صهیونیستی بدون اینکه ناو هواپیمابر یا کشتی جنگی از آمریکا به منطقه منتقل شود، تجاوز خود را علیه ایران آغاز کردند، بنابراین اگر آمریکا واقعاً به‌دنبال جنگی علیه ایران باشد، نیازی به این ناوها ندارد و تهدید به اعزام ناوهای بیشتر به منطقه صرفاً در چارچوب تلاش برای ایجاد ارعاب در ایران و وادار کردن ایرانی‌ها به تسلیم شدن در برابر خواسته‌ها و فشارهای آمریکا و اسرائیل است.

این تحلیلگر برجسته عرب‌زبان تصریح کرد: اما این رویکرد احمقانه آمریکا و رژیم صهیونیستی کاملاً نتیجه معکوس داده است و بارزترین گواه این امر، عجله نتانیاهو برای رفتن به واشنگتن و تلاش او جهت منحرف کردن مذاکرات از بحث هسته‌ای به پرونده موشک‌ها و توقف کمک‌های ایران به گروه‌های مقاومت در منطقه است.

دلایل عقب‌نشینی ترامپ

در ادامه این یادداشت تأکید شده است: واقعیت آن است که ترامپ جنگ نمی‌خواهد و کسی که معامله بزرگی انجام می‌دهد، در واقع حمله یا تهدید نمی‌کند. او به‌دلایل مختلفی عقب‌نشینی کرد، که مهم‌ترین آنها ترس از پاسخ ایران و تمایل به جلوگیری از افتادن در دام یک جنگ منطقه‌ای جامع و طولانی است؛ جنگی که مقام معظم رهبری ایران تهدید به آن کرد و این معادله را تثبیت کرد که این جنگ، سریع، کوتاه و بدون تلفات برای متجاوزان نخواهد بود و این چیزی است که با دکترین نظامی جدید آمریکا در به راه انداختن جنگ‌های کوتاه و کسب بیشترین دستاورد ممکن تناقض دارد.

بر اساس این مقاله، همچنین اختلافات در حزب جمهوری‌خواه آمریکا هم با به راه انداختن جنگی به‌نمایندگی از اسرائیل که آمریکا هیچ سهمی در آن ندارد و منجر به مرگ هزاران سرباز آمریکایی مشابه آنچه در عراق و افغانستان اتفاق افتاد می‌شود، در حال افزایش است. ترامپ که تهدید به نابودی ایران و محو آن از نقشه جهان کرده بود بعد از جلسه محرمانه خود با نتانیاهو در کاخ سفید اعلام کرد که هیچ تصمیم نهائی در مورد جنگ با ایران گرفته نشده است.

عطوان ادامه داد: ترامپ بعد از جلسه خود با نتانیاهو گفت که ادامه مذاکرات را به‌عنوان کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به توافقی که مانع از دستیابی ایران به «سلاح‌های هسته‌ای» شود، انتخاب کرده است و اگر توافقی حاصل نشود گزینه‌های دیگر را بررسی خواهد کرد. در زمانی که ما این مقاله را می‌نویسیم، ترامپ هنوز دستور اعزام دومین ناو هواپیمابر خود را به منطقه نداده است.

به گزارش تسنیم، در پایان این یادداشت عطوان تأکید شده است: روز چهارشنبه میلیون‌ها ایرانی در تمامی استان‌های این کشور، چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی را جشن گرفتند. شاید این جشن‌ها تمرینی برای جشن پیروزی بزرگ‌تر علیه محور شرارت آمریکایی - اسرائیلی باشد و زمان همه چیز را مشخص خواهد کرد.

کانادا در اقدامی خصمانه، تحریم‌های جدید علیه ایران وضع کرد

وزیر امور خارجه کانادا در اقدامی خصمانه، از اعمال تحریم‌های جدید علیه ۷ فرد ایرانی خبر داد.

وزیر امور خارجه کانادا شنبه ۲۵ بهمن‌ماه در اظهاراتی خصمانه علیه ایران اعلام کرد که کانادا تحت مقررات موسوم به اقدامات ویژه اقتصادی، تحریم‌های جدیدی را علیه ۷ ایرانی اعمال می‌کند.

طبق اعلامیه وزارت امور خارجه کانادا، افرادی که امروز مورد هدف قرار گرفتند با ادعای سرکوب معترضان تحریم شده‌اند. کانادا همچنین مدعی شد که به اقداماتش برای مقابله با فعالیت‌های ایران، رعایت قوانین بین‌المللی و ایستادن در کنار مردم ایران ادامه خواهد داد. با این اقدامات اخیر، کانادا اکنون ۲۲۲ فرد و ۲۵۶ نهاد ایرانی را تحریم کرده است.

این اقدام اوتاوا در حالی صورت می‌گیرد که کانادا عملاً به «بهشت امن» مفسدان و غارتگران اقتصادی تبدیل شده است؛ دولتی که از یک‌سو با ابزار تحریم بر معیشت مردم ایران فشار می‌آورد و از سوی دیگر، با سر باز زدن از استرداد مجرمان اقتصادی، آغوش خود را برای سرمایه‌های بادآورده اختلاس‌گران باز نگه داشته است.

همچنین این کشور در اقدامی دیگر در آذرماه امسال، قطعنامه‌ای را به بهانه‌های واهی حقوق بشری در مجمع عمومی سازمان ملل (UNGA) ارائه کرد.

کانادا این اقدام‌ها را بخشی از تعهد خود به حقوق بشر جهانی توصیف می‌کند، اما کارشناسان آنها را سیاسی، غیرعادلانه و مبتنی بر اطلاعات غلط می‌دانند و به‌طور معمول به سابقه حقوق بشر کانادا اشاره می‌کند.

خبر ویژه

اصرار نکنید! اپوزیسیون کسی جز همین درپیت‌ها را ندارد!

یکی از فعالان درپیت اپوزیسیون می‌گوید اپوزیسیون نه نیچه و هایدیگر، مارکس و پوپر و کانت دارد و نه بیسمارک و نه لینکلن و آیزنهاور و ژنرال دوگل، بنابراین باید با همین سرکرده‌های فعلی اپوزیسیون ساخت و اعتراضی هم نکرد.

در شرایطی که دلقک‌بازی‌های سران گروهک‌های سلطنت‌طلب و سازمان‌های تروریستی مثل منافقین و پژاک و...، حیثیتی برای اپوزیسیون نمایان جمهوری اسلامی نگذاشته، «ح- ی» می‌گوید که داشته‌های اپوزیسیون همین‌هاست!

او که سوابق سرگردانی میان لیبرالیسم و سوسیالیسم و چپ و راست غربی را دارد، به مظفرالدین شاه قجری استناد می‌کند و می‌نویسد: «برخی از مردم می‌گویند این فعال سیاسی بده، آن خوبه و روی هر مبارز دموکراسی‌خواه ایرانی یک عیب و ایرادی می‌گذارند! گفتم این دیالوگ فیلم کمال‌الملک ساخته علی حاتمی را یک‌بار با هم بخوانیم: اتابک با عصبانیت نزد مظفرالدین شاه آمد تا از کمال‌الملک گلایه کند و خواستار برکناری او شود! مظفرالدین شاه در پاسخ به او چنین گفت: «اکثر عمر ما در دوران ولیعهدی گذشت و رسم پادشاهی را خوب نمی‌دانیم. کار جهان به اعتدال راست می‌شود، همه چیزمان باید به همه چیزمان بیاید. اتابک بدش نیاید، ما که صدراعظم مثل بیسمارک نداریم که نقاش‌باشی آن‌طوری داشته باشیم.»

واقعیت اینکه همان‌طور که ما ماشین بنز و فراری نداریم، نیچه، هایدیگر، مارکس، پوپر، هگل، کانت و دکارت نداریم، همان‌طور که ما انیشتین و ماری کوری نداریم و... مبارزان و فعالان حسابی که باب میل شما عالی‌جنابان هم که همه ما را به ساحل امن برسانند هم نداریم. کل داشته این ملت همین‌ها هستند. هزینه می‌دهند، مبارزه می‌کنند و تمام عمر خود را از بین می‌برند تا شما ملت را به یک دموکراسی برسانند. اما خوب زور و ظرفیت فرزندانتان که چکیده خود شما هم هستند همین است. ما باید بدانیم این مملکت بیسمارک، اوباما، واشنگتن، لینکلن، آیزنهاور، ترومن و ژنرال دوگل ندارد. باید با همین داشته‌هایمان بسازیم و داشته‌ها هم باید خواست ملت را دنبال کنند و آن‌قدر نظرات خودشان را به این ملت تحمیل نکنند و در تعامل با هم باشند.»

از شیدایی نویسنده متن نسبت به جنایتکاران غربی که بگذریم، حکایت امثال وی، حکایت همان مورچه‌ای است که وسط نعلبکی سرخورده بود و می‌گفت سیل و طوفان همه جا را گرفته است. بله در اینکه اپوزیسیون به خاطر بی‌غیرتی و وطن‌فروشی و خیانت به ملت خود، حتی یک آدم به دردبه‌خور ندارد که سرش به تنش بیارزد، هیچ شکی نیست. اما این حقارت، مختص اپوزیسیون خودفروخته و بی‌وطن است وگرنه، ملت ایران، ملت بزرگی است که از سیاست و فرهنگ و تاریخ تا تولید قدرت و نوآوری در حوزه‌های علمی و فنی و دفاعی جهان، انسان‌های سرآمد بسیاری را به عرصه آورده است، انسان‌های با کفایت و نام‌آوری که در دنیا زبانزد علوم و فنون مختلف و سیاست و فرهنگ هستند.

شکست آمریکا مقابل ایران مهیب‌تر از شکست مقابل یمن است

یک تحلیلگر آمریکایی تاکید کرد آمریکا نمی‌تواند ایران را شکست دهد چرا که چند ماه قبل، از عهده جنگ با یمنی‌ها برنیامد و ناچار به عقب‌نشینی شد.

ویل شرایور در تحلیل خود در شبکه ایکس نوشت: چقدر زود فراموش کرده‌اند که در طول سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵، آمریکا دست‌کم پنج گروه ضربتی ناو هواپیمابر (به‌همراه حجم زیادی از توان هوائی نیروی هوائی آمریکا) را برای خلع سلاح نیروهای یمنی و باز کردن مسیر دریای سرخ که به‌صورت گزینشی مسدود شده بود، اعزام کرد اما شکست خوردند؛ آن هم به شکلی مفتضحانه.

در وهله نخست، در سال ۲۰۲۴ ناوهای «یواس‌اس بریو سِر رابین»، «یواس‌اس تدی بیر» و «یواس‌اس فریدی اِیب» وارد عمل شدند، اما در نهایت دم‌شان را روی کولشان گذاشتند و عقب‌نشینی کردند. ناو بریو سر رابین حتی یک فروند جنگنده اف/ای-۱۸ را هم در کف دریا گذاشت.

پس از آن‌ها، «یواس‌اس ترمبلینگ پایی» و «یواس‌اس تیمید وینی» به میدان آمدند. اما آن‌ها هم وضع بهتری نداشتند و ترمبلینگ پایی طی مأموریت پراضطراب خود در شمال دریای سرخ، دو فروند دیگر از جنگنده‌های اف/ای-۱۸ را از دست داد. در همین حال، یمنی‌ها شمار پهپادهای ام‌کیو-۹ ریپر سرنگون‌شده را به ۲۳ فروند رساندند.

افسران ناو بریو سر رابین پس از بازگشت از «نبرد دریای سرخ» گزارش دادند که به گفته خودشان «دچار آسیب روانی» شده‌اند و آن را شدیدترین آتش و قدرت رزمی‌ای توصیف کردند که نیروی دریایی آمریکا از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون با آن روبه‌رو شده است.

یادمان باشد: یمن در پایین‌ترین پله نردبان دشمنان جدی و توانمند قرار دارد. هر کسی که واقعاً باور دارد نیروی دریایی آمریکا می‌تواند در آب‌های ایران عملیات مؤثر انجام دهد، به‌سادگی دچار توهم است.

همان‌طور که بارها استدلال کرده‌ام: حتی اگر هیچ کشتی‌ای آسیب نمی‌دید یا غرق نمی‌شد، باز هم آن‌ها ظرف یکی دو هفته- یا حتی کمتر- مهمات‌شان تمام می‌شد. و مطمئن باشید که قرار نیست بتوانند در بحرین دوباره تسلیحات خود را بارگیری کنند. کسانی که محاسبات خود درباره یک جنگ میان آمریکا و ایران را بر پایه برتری هوائی آمریکا بنا کرده‌اند، خیلی زود خواهند دید که پارامترهای معادلاتشان به‌کلی تغییر کرده است.

در نظر داشته باشید: آمریکا از نظر لجستیکی قادر نیست بیش از دو تا سه هفته یک کارزار هوایی بسیار پرشدت را حفظ کند. و اگر حتی فقط حدود یک دوجین هواپیمای سرنشین‌دار آمریکایی سرنگون شوند و چند فروند کشتی هم به‌شدت آسیب ببینند... خب، چنین چیزی چنان موجی از نگرانی و آشفتگی در واشنگتن ایجاد خواهد کرد که حتی ممکن است به یک کودتا- یا چیزی بسیار نزدیک به آن- منجر شود.

شرق: نتیجه همکاری با FATF تحریم بیشتر بود(!)

برخلاف وعده‌های مرکز اطلاعات مالی برای بزک‌کاری و تصویب الحاق به دو کنوانسیون پالرمو و CFT، مافیای حاکم بر FATF باز هم شروط ایران را رد کرد

طبق بیانیه مرکز اطلاعات مالی، در نشست عمومی FATF در مکزیک، ۵ شرط از ۱۰ حق شرط ایران بر کنوانسیون‌های پالرمو و CFT پذیرفته نشد.

در این زمینه روزنامه شرق در گزارشی با عنوان «دور جدید تقابل FATF علیه ایران»، نوشت: پرونده ایران در FATF به در بسته خورد. براساس بیانیه رسمی که مرکز اطلاعات مالی در پاسخ به پیگیری‌های «شرق» ارائه داده، پرونده ایران در FATF پس از نشست ۲۳ بهمن در مکزیکوسیتی وارد مرحله‌ای جدید شده است. از یکسو پیشرفت‌های فنی و حقوقی موجب پذیرش بخشی از برنامه اقدام شده، ولی از سوی دیگر مسائل سیاسی و تحریمی پرونده ایران را از موضوعی صرفا بانکی و فنی به یک هزارتوی امنیتی تبدیل کرده و باعث شده است حتی چهار محدودیت جدید علیه ایران تصویب شود. مرکز اطلاعات مالی ایران ضمن گلایه از نبود همکاری برخی بخش‌های داخلی، هشدار داده که در صورت ادامه تعلل در داخل وضعیت برای کشور بغرنج‌تر هم خواهد شد.

پیگیری‌های «شرق» نشان می‌دهد با وجود پیشرفت‌های فنی ایران در گفت‌وگوها، اقدامات تقابلی جدیدی علیه ایران به کشورهای عضو ابلاغ شده است. طبق بیانیه‌ای که مرکز اطلاعات مالی در پاسخ به پیگیری‌های «شرق» ارائه کرده، پس از تصویب کنوانسیون‌های پالرمو و سی‌اف‌تی در مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاح آیین‌نامه‌های مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در هیئت وزیران ایران، امکان ارائه گزارش پیشرفت درباره سه بند از ۲۴ بند باقی‌مانده برنامه اقدام فراهم شده بوده است.

چرا با وجود تلاش‌ها، فشار بیشتر شد؟ با این حال ظاهرا در همین بزنگاه با استناد به قطع‌نامه‌های مرتبط با سازوکار «مکانیسم ماشه» در سازمان ملل، برخی کشورها خواستار استفاده از ظرفیت FATF برای اجرای تحریم‌ها علیه ایران شدند. در نتیجه، با وجود حمایت ۱۱ عضو از ۳۹ عضو FATF از اقدامات ایران، اجماع کامل علیه کشور شکسته شد اما اکثریت اعضا (۲۸ عضو) متن بیانیه عمومی را تغییر دادند و در نهایت اقدامات تقابلی جدیدی علیه ایران تصویب شد.

به گزارش شرق، مرکز اطلاعات مالی هشدار داد تداوم تأخیر و تعلل در تصمیم‌گیری‌های خرد و گاهی سطحی مورد نیاز می‌تواند اتخاذ تصمیمات بزرگ در این حوزه مثل تصویب کنوانسیون‌های پالرمو و سی‌اف‌تی در مجمع و تصویب نسخ اصلاحی آیین‌نامه‌های مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را در ادامه مدیریت پرونده کشور با FATF بی‌اثر کرده و منجر به افزایش اقدامات تقابلی علیه ایران باشد.

شرق می‌افزاید: با شدت‌گرفتن تحریم‌ها علیه ایران، به نظر می‌رسد پرونده مالی ایران برای غرب دیگر امنیتی تلقی می‌شود و نه صرفا مالی. منتقدان بین‌المللی، به‌ویژه در اروپا و آمریکا، استدلال می‌کنند که شبکه‌های مالی مرتبط با گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله و حماس در چارچوب نگرانی‌های FATF قرار می‌گیرند. درحالی‌که لایحه مربوط به تأمین مالی تروریسم در ایران هنوز برای جهان محل بحث است، ایالات متحده نیز بارها اعلام کرده یکی از شروط کاهش تنش با ایران، محدود شدن حمایت از گروه‌های مقاومت است. برای نمونه، در مواضع رسمی U.S. Department of State طی سال‌های اخیر، موضوع «حمایت ایران از گروه‌های مسلح منطقه‌ای» به‌عنوان مانع عادی‌سازی روابط ذکر شده. این همان نقطه‌ای است که پرونده FATF از یک موضوع فنی- بانکی به پرونده پیچیده سیاسی- امنیتی تبدیل می‌شود.

گزارش شرق، دقیقا اثبات می‌کند که وعده‌ها و فضاسازی‌های مرکز اطلاعات مالی در توجیه الحاق به دو کنوانسیون و امکان گذاشتن حق شرط برخلاف منویات طرف غربی، خلاف واقع و دادن آدرس گمراه‌کننده به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.

در همین حال مسعود براتی از کارشناسان ارشد موضوع تحریم و FATF خطاب به رئیس مرکز اطلاعات مالی تاکید کرد: خیلی رو می‌خواهد که با ادعای غلط، به کشور هزینه تحمیل کنید و زمانی که صدایش درآمد، بیانیه بدهید و روایت پیروزی بکنید! حداقل استعفا بدهید.

ایران می‌تواند آسیبی سنگین‌تر از جنگ ۱۲ روزه به اسرائیل بزند

درس‌های جنگی که در آن اسرائیل آسیب سنگینی دید، در ایران این برداشت را تقویت کرد که اسرائیل در برابر حملات فرسایشی آسیب‌پذیر است.

این تحلیل را روزنامه یدیعوت آحارونوت منتشر کرده و می‌نویسد: در حالی که کانال دیپلماتیک میان ایالات متحده و ایران همچنان ادامه دارد، در اسرائیل برای جنگ آماده می‌شوند. خطوط قرمز تل‌آویو حتی به خطوط قرمز تهران هم نزدیک نمی‌شود؛ تهرانی که حاضر نیست حتی درباره محدود کردن برنامه موشکی‌اش چیزی بشنود؛ همان موشک‌هایی که این‌جا در طول جنگ ۱۲ روزه ویرانی به بار آوردند.

برای ایران، برنامه موشک‌های بالستیک فقط یک ابزار جنگی نیست، بلکه یک هدف راهبردی برتر است که ممکن است حتی از پروژه هسته‌ای هم مهم‌تر باشد؛ به‌دلیل توان اثبات‌شده‌اش برای فلج کردن پشت‌جبهه اسرائیل و ایجاد آسیب قابل‌توجه حتی در برابر سامانه‌های دفاعی پیشرفته.

درس‌های جنگی که در آن اسرائیل مجبور شد در برابر صدها شلیک «اقتصاد تسلیحاتی» را مدیریت کند، بیشترِ آن‌ها را رهگیری کرد و با این حال همچنان آسیب سنگینی دید، در تهران این برداشت را تقویت کرد که اسرائیل در برابر حملات فرسایشی آسیب‌پذیر است؛ حملاتی که ذخیره رهگیرهایش را خالی می‌کند.

با توجه به این‌که ایران سامانه موشکی را ابزار بازدارندگی و تعیین‌کننده درجه اول می‌بیند، ارزیابی‌های اطلاعاتی می‌گویند که حتی زیر فشار آمریکا در مذاکره هم از آن دست نخواهد کشید. این موضع سخت، منطقه را در مسیر برخوردی اجتناب‌ناپذیر قرار می‌دهد: یا امضای توافقی که اسرائیل را در برابر یک تهدید مهم آسیب‌پذیر می‌گذارد، یا لغزش به سوی یک جنگ تمام‌عیار.

تال اینبار، پژوهشگر ارشد در MDAA، توضیح می‌دهد: «توان شلیک بسیار بسیار گسترده ندیدیم؛ نه صدها یا هزاران به‌طور همزمان. اما اگر جنگی باشد که ایران احساس خطر کند، هرچه دارند شلیک می‌کنند.»

آتلانتیک: ترامپ تهدید می‌کند اگر مقاومت دید، عقب می‌نشیند

دونالد ترامپ الگویی دارد که اصرار می‌کند یک وضعیت آن‌قدر جدی است که نیاز به اقدام بی‌سابقه دارد و سپس وقتی با واکنش منفی روبه‌رو می‌شود، عقب‌نشینی می‌کند.

نشریه آمریکایی آتلانتیک با ارزیابی شخصیت دونالد ترامپ نوشت: ترامپ الگوی برداشتن گام‌های رادیکال برای مقابله با مشکلات جدی دارد و سپس وقتی با مخالفت مواجه می‌شود، کنار می‌رود.

پس از آنکه دولت، اوایل امسال گسترش افزایش نیروهای انتظامی خود در «مینه سوتا» را اعلام کرد و آن را «بزرگ‌ترین عملیات وزارت امنیت داخلی تاکنون» نامید، دونالد ترامپ مجموعه‌ای از انتقادات تند را به ایالت مطرح کرد که به گفته او «والی ناکارآمد»، مشکل بزرگ تقلب در رفاه، جرم و جنایت بالا و سیستم رأی‌گیری فاسد دارد. «چه جای زیبایی، اما در حال تخریب است».

امروز، «تزار مرزی» کاخ سفید، «تام هومن»، پایان مؤثر مأموریت را اعلام کرد و وعده داد که در هفته آینده «کاهش قابل توجه» خواهد داشت. هومن گفت: «من پیشنهاد داده‌ام و رئیس‌جمهور ترامپ موافقت کرده است که این عملیات افزایش نیرو به پایان برسد.» با این اعلامیه باید با شک و تردید برخورد شود. زمانی که ترامپ ماه گذشته فرمانده گشت مرزی، «گرگ بووینو» را برکنار کرد، دولت لحن خود را نرم‌تر کرد؛ اما حضور گسترده و پرقدرت خود را در مینیاپولیس حفظ کرد. اما ترامپ دلایل خوبی برای عقب‌نشین